مردم و مسئولان

«کندوان» قربانی اختلافات محلی

قطع فیبر نوری، آنتن تلفن همراه و اینترنت، روستای گردشگری کندوان را مختل کرده است. مناقشه محلی میان دو روستای همسایه «کندوان» و «کهنمو» در شهرستان اسکو، به بحرانی ارتباطی تبدیل شده است؛ بحرانی که یک سوی آن حقابه مورد مطالبه اهالی کهنمو و سوی دیگر آن، قطع کابل فیبر نوری و اختلال در ارتباطات روستای تاریخی و گردشگری کندوان قرار دارد.

براساس اظهارات اهالی منطقه و مسئولان محلی، اختلاف بر سر تأمین آب روستای کهنمو موجب شده است برخی افراد کابل فیبر نوری عبوری از این روستا را قطع کنند؛ اقدامی که در پی آن، آنتن‌دهی تلفن همراه و دسترسی به اینترنت در کندوان با اختلال جدی مواجه شده است.

کندوان به‌عنوان یکی از روستاهای صخره‌ای شاخص کشور، سالانه میزبان شمار زیادی از گردشگران داخلی و خارجی بوده و بخش مهمی از معیشت ساکنان آن به گردشگری وابسته است.

ازاین‌رو، اختلال در شبکه ارتباطی تنها یک مشکل فنی نیست و می‌تواند فعالیت اقامتگاه‌های بوم‌گردی، مراکز پذیرایی، فروشگاه‌ها و سایر کسب‌وکارهای محلی را تحت تأثیر قرار دهد.

■وقتی اختلاف آب به فیبر نوری رسید

اهالی منطقه، قطع فیبر نوری را واکنشی به تأمین نشدن حقابه روستای کهنمو عنوان می‌کنند. در مقابل، فعالان گردشگری کندوان معتقدند اختلاف بر سر آب نباید به قطع زیرساخت‌های ارتباطی و آسیب دیدن زندگی روزمره مردم و فعالیت‌های گردشگری منجر شود. ماجرا اکنون از یک اختلاف محلی فراتر رفته است؛ آب که باید عامل آبادانی دو روستا باشد، به نقطه آغاز تنشی تبدیل شده که پیامدهای آن به آنتن تلفن همراه، اینترنت و اقتصاد گردشگری کندوان رسیده است.

■مسئولان چه می‌گویند؟

در همین ارتباط فرماندار اسکو درباره علت بروز این وضعیت به تسنیم گفت: اختلاف بر سر آب میان روستاهای کندوان و کهنمو موجب شده برخی افراد اقدام به قطع فیبر نوری کنند.

محمدباقر آقایی با اشاره به ریشه این اختلاف افزود: در حال حاضر، آب مورد مطالبه روستای کهنمو از سوی کندوان تأمین نمی‌شود و همین مسئله به شکل‌گیری تنش دامن زده، در حالی که وضعیت آب کندوان مناسب است و این روستا در زمینه تأمین آب با مشکل جدی مواجه نیست.

فرماندار شهرستان اسکو، سوءتدبیر در مدیریت اختلافات محلی و برخی شیطنت‌ها را از عوامل تشدیدکننده این وضعیت دانست و گفت: برخی افراد و مجموعه‌های محلی در به وجود آمدن شرایط موجود نقش داشته‌اند و موضوع باید پیش از رسیدن به چنین مرحله‌ای مدیریت می‌شد. آقایی با تأکید بر ضرورت حل این مناقشه، تصریح کرد: این اختلاف باید از مسیر گفت‌وگو، مدیریت محلی و راهکارهای قانونی حل و فصل شود نه با اقدام‌هایی که به زیرساخت‌های ارتباطی و ظرفیت گردشگری منطقه آسیب می‌زند.

■گردشگری کندوان، قربانی یک اختلاف محلی

ادامه اختلال در ارتباطات، فعالیت روزمره ساکنان و گردشگران را با مشکل مواجه می‌کند و می‌تواند به اعتبار گردشگری کندوان نیز آسیب بزند. در شرایطی که بخش قابل توجهی از معرفی مقاصد گردشگری، رزرو اقامتگاه‌ها، پرداخت‌های الکترونیکی و خدمات‌رسانی به مسافران به اینترنت و تلفن همراه وابسته است، قطع ارتباطات به معنای اختلال مستقیم در اقتصاد این روستاست. با این حال، اکنون بخشی از این ظرفیت مهم گردشگری در سایه اختلافی محلی بر سر آب قرار گرفته و عملاً گروگان تنشی شده که باید پیش از آسیب بیشتر به مردم دو روستا مدیریت شود.

■آب را نمی‌توان با آنتن معامله کرد

قطع فیبر نوری نه مطالبه حقابه را به‌صورت پایدار حل می‌کند و نه اتصال دوباره کابل به‌تنهایی ریشه اختلاف را از میان می‌برد. پایان دادن به این بحران مستلزم تعیین دقیق حقابه، توافق دو روستا، ورود مؤثر دستگاه‌های مسئول و جلوگیری از تعرض دوباره به زیرساخت‌های عمومی است.

روایتی از چالش‌های شالیزارهای شمال؛ از بحران آب تا تغییر الگوی کشت

نجات شالیزارها یا نجات آب؟

فاطمه طالبیان شریف | صبح‌های مه‌آلود شمال، سال‌ها با انعکاس آسمان در آب شالیزارها و صدای زندگی در دل مزارع معنا پیدا می‌کرد. شالیزارها فقط محل تولید برنج نبودند؛ بخشی از حافظه جمعی مردم، نماد رونق روستاها و حاصل سال‌ها همزیستی انسان با طبیعت بودند، اما امروز این چشم‌انداز آشنا آرام‌آرام در حال تغییر است؛ تغییراتی که گاه از کمبود آب آغاز می‌شود، گاه با فروش زمین‌های کشاورزی ادامه می‌یابد و گاه در بی‌میلی نسل جوان به ادامه راه پدرانشان خود را نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر، شالیکاری در شمال کشور بیش از آنکه تنها یک فعالیت کشاورزی باشد، به موضوعی راهبردی برای آینده منابع آب، امنیت غذایی و توسعه روستایی تبدیل شده است. از یک سو، حفظ تولید داخلی برنج اهمیت زیادی دارد و از سوی دیگر، محدودیت منابع آب و تغییرات اقلیمی، ادامه برخی شیوه‌های سنتی کشت را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است و همین موضوع موجب شده بحث آینده شالیزارها دیگر صرفاً دغدغه کشاورزان نباشد، بلکه به مسئله‌ای ملی تبدیل شود.

آیا باید به هر قیمتی شالیزارها را حفظ کرد یا زمان آن رسیده که با نگاهی علمی در الگوی کشت و شیوه مدیریت این اراضی بازنگری شود؟ تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، کاهش تمایل جوانان به فعالیت در این بخش و ضرورت حفظ منابع آب، پرسش‌هایی هستند که پاسخ به آن‌ها نیازمند نگاه کارشناسی است.

برای بررسی این موضوع، با علی کرامت‌زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و عضو کمیته علمی فنی مؤسسه تحقیقات پنبه کشور گفت‌وگو کرده‌ایم.

■وضعیت امروز شالیزارهای شمال را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه میزان از اراضی کشاورزی نسبت به گذشته تغییر کاربری داده یا بدون استفاده مانده‌اند؟

بر اساس آمار جهاد کشاورزی، از ابتدای انقلاب تاکنون به طور تقریبی سطح زیر کشت شالی در کشور سه برابر شده است. این در حالی است که در استان گلستان، سطح زیر کشت شالی حدود هفت تا هشت برابر افزایش یافته که نشان می‌دهد سطح زیر کشت در این استان به‌مراتب بیشتر از میانگین کشور بوده است. این تفاوت می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، اما مهم‌ترین عامل، سودآوری بالای محصول برنج بوده که موجب تغییر الگوی کشت در استان گلستان شده است.

استان گلستان در گذشته یکی از مهم‌ترین مناطق تولید پنبه در کشور بود و به همین دلیل از آن با عنوان «منطقه طلای سفید» یاد می‌شد، اما در سال‌های اخیر، سطح زیر کشت پنبه به‌شدت کاهش یافته و به حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار هکتار رسیده است. در مقابل، سطح زیر کشت شالی به طور قابل توجهی افزایش یافته که نشان‌دهنده تغییر الگوی کشت در این استان است.

اگرچه در سال‌های اخیر، با اعمال برخی سیاست‌ها و ابزارهای کنترلی از سوی دولت، روند افزایش سطح زیر کشت شالی تا حدودی کندتر شده، اما همچنان سطح زیر کشت این محصول در استان گلستان نسبت به دوره‌های گذشته بالا بوده و این موضوع پیامدهای قابل توجهی برای منابع آب استان به همراه داشته است. بخش عمده‌ای از مزارع شالی در گلستان از طریق منابع آب زیرزمینی و با استفاده از چاه‌ها آبیاری می‌شوند، در حالی که در بسیاری از کشورهای تولیدکننده برنج، کشت شالی عمدتاً با استفاده از منابع آب سطحی انجام می‌شود.

اتکای گسترده به منابع آب زیرزمینی برای آبیاری شالیزارها، فشار زیادی بر سفره‌های آب زیرزمینی وارد کرده و تداوم این روند می‌تواند در آینده استان را با چالش‌های جدی از نظر کمیت و پایداری منابع آب زیرزمینی مواجه کند.

در استان‌های شمالی به‌ویژه استان گلستان، روند تبدیل اراضی آبی به اراضی دیم در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده و این تغییر در محصولاتی مانند گندم و سایر محصولات زراعی نیز مشاهده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که به دلیل کاهش دسترسی به منابع آب، سطح آبیاری به‌تدریج کاهش یافته و بخشی از اراضی آبی به کشت دیم اختصاص یافته است.

بر اساس آمار موجود، در سال‌های زراعی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ حدود ۳۰۰ هزار هکتار از اراضی استان گلستان به‌صورت دیم کشت می‌شد، در حالی که این رقم در سال‌های ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به حدود ۳۷۰ هزار هکتار افزایش یافت. به عبارت دیگر، طی یک دوره ۱۰ساله حدود ۷۰هزار هکتار به اراضی دیم استان افزوده شده است. این افزایش، به‌طور طبیعی با کاهش سطح اراضی آبی همراه بوده و بیانگر تغییری قابل توجه در الگوی بهره‌برداری از اراضی کشاورزی استان است.

این روند در مقیاس ملی نیز قابل مشاهده است. در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۲، سطح اراضی دیم کشور حدود ۵میلیون و ۷۰۰هزار هکتار بود که در سال‌های ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به حدود ۶میلیون و ۶۰۰هزار هکتار رسید. بنابراین طی این دوره ۱۰ساله، حدود یک میلیون هکتار به سطح اراضی دیم کشور افزوده شد.

■تغییر کاربری شالیزارها به ویلا و کاربری‌های غیرکشاورزی چه پیامدهایی برای امنیت غذایی، محیط زیست و اقتصاد منطقه دارد؟

یکی از چالش‌های مهم استان گلستان در سال‌های اخیر، افزایش روند تغییر کاربری اراضی کشاورزی به کاربری‌های غیرکشاورزی، به‌ویژه ساخت ویلا و سکونتگاه‌ها با کارکرد تفریحی و تفرجی است. در این نوع تغییر کاربری، اراضی کشاورزی که پیش‌تر در راستای تولید محصولات، تأمین معیشت بهره‌برداران و کمک به امنیت غذایی کشور مورد استفاده قرار می‌گرفتند، به کاربری‌هایی اختصاص می‌یابند که نقش مستقیمی در تولید و تأمین نیازهای بخش کشاورزی ندارند.

این اتفاق در بلندمدت علاوه بر اینکه بافت شهری و بافت مناطق روستایی را دچار مشکل می‌کند، قطعاً امنیت غذایی و تولید را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت منجر به کاهش میزان تولید می‌شود چون انگیزه کشاورزان از تفکیک اراضی و فروش آن به بخش غیرکشاورزی افزایش پیدا می‌کند و موجب می‌شود زمین‌ها به افرادی که تخصص غیرکشاورزی دارند واگذار شود که نهایتاً به نوعی شاید این زمین‌ها از چرخه تولید هم خارج شوند. با افزایش قیمت زمین، انگیزه کشاورز در فروش زمین‌های کشاورزی و تغییر الگوی کشت اتفاق می‌افتد و این تغییر کاربری در بلندمدت می‌تواند به ضرر جامعه روستایی و بخش کشاورزی باشد.

■مهم‌ترین دلایل بی‌علاقگی نسل جوان به شالیکاری چیست؟ آیا این موضوع بیشتر اقتصادی است یا به تغییر سبک زندگی و انتظارات شغلی مربوط می‌شود؟

بخش کشاورزی یک بخش کاربر است و پیشرفت فناوری در آن با سرعت کمتری اتفاق می‌افتد به همین دلیل تمایل نسل جوان به این سمت کمتر است و اکنون در جوامع کشاورزی فعالیت‌های کشاورزی که وابسته به نیروی کار باشند قطعاً با مشکل مواجه می‌شوند. نمونه آن نیز کشت پنبه در استان گلستان است؛ چراکه یکی از دلایلی که سبب می‌شود پنبه در استان گلستان کشت نشود برداشت دستی آن بوده که هزینه بالای برداشت دستی به صورت هزینه نیروی کار است و این عوامل موجب می‌شود هزینه برداشت نیروی کار افزایش یابد و سود کشاورز کاهش پیدا کند و مجبور شود به سمت کشت این محصول نرود.

در ارتباط با شالی نیز همین طور است؛ اگر ما نتوانیم فناوری مورد نیاز چه در کاشت، داشت و برداشت را تأمین کنیم بدون تردید انگیزه نسل جوان هم کاهش پیدا می‌کند و به سمتش نخواهد رفت؛ ولی اگر در کنار سودآوری تولید این محصولات، بحث حمایت هم وجود داشته باشد و سودآوری و پیشرفت فناوری هم بتواند اتفاق بیفتد، قطعاً انگیزه‌ها به سمت آن بیشتر خواهد شد؛ یعنی نسل جوان تمایل دارد کشاورزی را از کشاورزی سنتی به سمت کشاورزی مدرن و تجاری ببرد.

■چه برنامه‌هایی برای حفظ اراضی شالیزاری و جلوگیری از تغییر کاربری غیرمجاز در دست اجراست؟

در مجموع شالیزار در استان گلستان یک کشت صحیح نیست؛ یعنی هم به لحاظ پایداری محیطی و هم به لحاظ منابع آبی و منابع زیست محیطی اصلاً کشت شالی در استان گلستان نه صرفه اقتصادی دارد و نه صرفاً سودآوری اقتصادی؛ چون با منابع آب زیرزمینی برداشت می‌شود و اگر این تغییر کاربری به سمتی که شالیزار تبدیل به یک محصول کشاورزی دیگر شود اتفاق بیفتد، این نگاه بدی نیست. در واقع ضروری است به سمت اصلاح الگوی کشت حرکت کنیم؛ به‌ویژه در استان‌هایی مانند گلستان که کشت شالی با اتکا به منابع ارزشمند آب‌های زیرزمینی انجام می‌شود و فشار قابل توجهی بر این منابع وارد می‌کند. برای تحقق این هدف، راهکارهای مختلفی وجود دارد از جمله حمایت‌های سیاستی دولت یا ایجاد سازوکارهایی مانند فروش آب به بخش‌های غیرکشاورزی، به‌گونه‌ای که ارزش افزوده و بهره‌وری منابع آب افزایش یابد و از این سرمایه حیاتی به شکل بهینه استفاده شود. بنابراین تغییر کاربری در بخش شالی صرفاً یک موضوع چالشی نیست که بگوییم اگر تغییری اتفاق بیفتد قطعاً جامعه و بخش کشاورزی دچار مشکل می‌شود.

■برای ایجاد اشتغال پایدار در کنار شالیکاری، چه ظرفیت‌هایی مانند صنایع تبدیلی، گردشگری کشاورزی یا برندینگ برنج وجود دارد؟

یک حلقه مفقوده در بخش کشاورزی این است که محصول بخش کشاورزی می‌خواهد به دست مصرف‌کننده برسد، این زنجیره‌ها معمولاً دست واسطه‌هاست و اگر از طریق شرکت‌های تعاونی یا شرکت‌های دانش‌بنیان یا به نوعی شرکت‌های بازاریابی بتوانیم این‌ها را ایجاد کنیم و کشاورز سهم بالایی از ارزش محصول در بازار یا محصول دست مصرف‌کننده داشته باشد، قطعاً می‌تواند هم انگیزه تولید را بالا ببرد و هم سرمایه‌گذاری مجدد و اشتغال را ایجاد کند.

■اگر امروز برای حفظ شالیزارها و تربیت نسل جدید کشاورزان تصمیم جدی گرفته نشود، مهم‌ترین پیامد آن برای اقتصاد و امنیت غذایی کشور چه خواهد بود؟

در موضوع امنیت غذایی صرفاً بحث در دسترس بودن مطرح نیست، بحث توانایی خرید و مسائل اقتصادی هم مطرح می‌شود. با توجه به وضعیت کشور اگر قرار باشد وابسته به تولید داخلی باشیم باید با سیاست‌هایی بتوانیم به سمت تولید درست و اصولی پیش برویم، یعنی بهره‌وری منابع آب را افزایش دهیم؛ با روش‌های کاشت به‌روز یا با ارقام به‌روزتر یا روش‌های جدیدتر کشت بتوانیم از منابع آب محصول و تولید بیشتری بدست آوریم تا بتوانیم تولید پایدار داشته باشیم.

همچنین باید خسارت‌های زیست محیطی و منابع آب هم مد نظر قرار بگیرد؛ وگرنه ما اگر فقط بر تولید و بحث شالیزار تکیه کنیم به ویژه در استان گلستان، ممکن است پیامد خیلی بدی برای استان داشته باشد و در بلندمدت نه تنها به امنیت غذایی نرسیم بلکه آسیب‌های زیست محیطی، آسیب بحران‌های منابع آب، بحث ریزگردها و بحث بیابان‌زایی به عنوان خطرات استان را تهدید کند.

جدول ۹۴۹۳

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

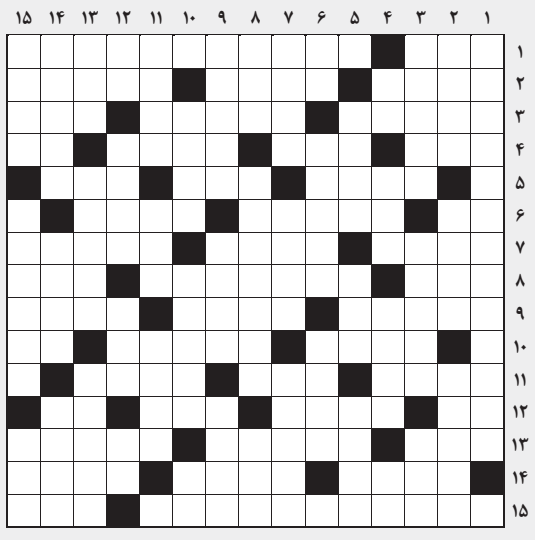

■افقی

۱. شتر عرب - اثری از «امیر خسروی دهلوی» ۲. قوم اروپایی - جایگاه و رتبه - گیاه خورشی ۳. از انبیای الهی - پایه‌ها - تیراندازی ۴. بیهوده - صدای آن از دور خوش است- سرمدی - خشکی ۵. مقابل «عمدی» - احسان و نیکی - قوم ایران باستان ۶. آش ساده - کنایه از جرئت نداشتن است - بلندمرتبه ۷. چیدمان اشیای ویترین، منزل و یا امثال آن- خرم و شاداب - محنت‌کش ۸. نشانه به‌جا مانده از کسی- نام اسب «زورو»- گندم سوده ۹. جنبنده - وجود - محکم‌شده ۱۰. از وسایل علم جغرافیا - اذکار زیر لب - تاب و توان ۱۱. رگی است در پشت پیوسته به دل - خوردن - خانه باستانی ۱۲. عدد سه قرن- طلای قلابی - نقطه ضعف - طایفه‌ای ایرانی ۱۳. شفقت - آتشکده‌ای باستانی در کاشان - داغ ۱۴. از زبان‌های رسمی پاکستان - ششم عربی- قومی مارپرست در هندوستان ۱۵. مهاجم گل‌ساز اروگوئه‌ای سال‌های پیش تیم فوتبال اینترمیلان ایتالیا ملقب به پسر چینی - مظهر نرمی

■عمودی

۱. یکی از رهبران انقلاب ۱۹۵۲ مصر ۲. نوعی جریده - بیشتر- ناخوش‌احوال ۳. کشوری آسیایی به مرکزیت «وین‌تیان»- چوب خمیر پهن‌کن در گویش عوام - خراسان قدیم ۴. علامت مفعولی - مزاحم اینترنتی - نزدیک‌تر - بیماری و مرض ۵. گیاه فسیلی زنده - درگیری - از شهرهای مهم کانادا ۶. دریا- پیشوند ترکیبات هیدورژنی - ستاره دنباله‌دار ۷. قصه‌گو- پول ترکیه - بخشی از خاک استان مازندران را در بر می‌گیرد ۸. حیوان بیمار- مسن - کیف مسافرتی ۹. ممکن بودن -پیمان ناقلا - از خشکبار ۱۰. ناقص- روز قبل - دشنام دادن ۱۱. میدان اسب‌دوانی و نام شهری در کرمانشاه- پایین - اشعه مجهول ۱۲. ساز شاکی- سمت راست - پس از «بحث» می‌آورند- پوستین ۱۳. بعید - معجزه کردن - واجب و لازم گرداندن ۱۴. آهنگساز عصر خسرو پرویز - بهشت و فردوس- خوراکی از گوشت ۱۵. سهل و ساده - ناس - اسم
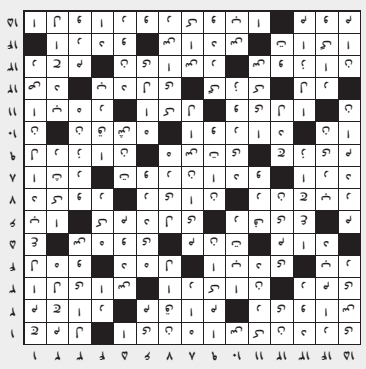
حل جدول